

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران

دوره ۵، شماره ۲

پاییز و زمستان ۱۳۹۴، صص ۵۰ - ۳۱

اوقات فراغت شهر تهران: همگرایی و واگرایی در فرایند پرسه‌زنی مطالعه موردی شهرک قدس (غرب)

ناصر فکوهی*

علی‌رضا امیری**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۳۰

چکیده

در جوامع امروز اوقات فراغت به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم سبک زندگی و بستری برای تعامل و جامعه‌پذیری کنشگران اجتماعی مورد توجه است. در این چشم‌انداز به فضاهای اجتماعی به عنوان نمادهایی برای سرزنده بودن و مکان‌هایی برای هم‌جواری‌های لذت‌بخش شهروندان نگریند می‌شود. پژوهش این مسئله را بر مبنای راه رفتن فراغتی در فضاهای عمومی شهر از منظر بدن‌مندی مورد بررسی قرار می‌دهد تا فهمی از چگونگی و سازوکارهای روابط فرهنگی و اجتماعی یک فعالیت فراغتی مشارکتی به دست آورد. با چه سازوکارهایی در روابط فرهنگی و اجتماعی میان بدن‌های فردی و اجتماعی، کنشگران به همگرایی و واگرایی در راه رفتن فراغتی خود سوق می‌یابند؟ موقعیت‌های مقطعی و اجتماعی این همگرایی‌ها و واگرایی‌های در حرکت به چه صورت است؟ آیا فضاهای عمومی امروز شهر تهران بستر مناسبی برای راه رفتن فراغتی شهروندان خود فراهم می‌کنند؟ میدان مطالعه این پژوهش محله شهرک غرب است. با توجه به مفهوم بدن‌مندی، فراغت و موقعیت‌مندی و با بررسی چگونگی ضرب‌آهنگ‌های راه رفتن و اداهای بدن از خلال موقعیت‌ها و میان‌کنش‌های افراد در دو سطح بدن فردی و بدن اجتماعی ملاحظه می‌شود که میان‌کنش‌های بدن‌مند افراد در فضاهای شهری در موقعیت‌های اجتماعی به سمت واگرایی در حرکت جهت‌گیری دارند و خصلت ارتباطی ضرب‌آهنگ‌های راه رفتن تحت تأثیر مخاطرات محیط به سمت اغتشاش و گسست میل می‌کند. این امر یک شرایط آسیب‌شناختی ایجاد کرده است که مؤلفه‌های فراغتی کنش پرسه‌زنی و تجربه سرخوش بودن بدن فرد در حرکت تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند.

کلید واژگان: انسان‌شناسی بدن، انسان‌شناسی شهر، اوقات فراغت، بدن اجتماعی، راه رفتن فراغتی، ضرب‌آهنگ.

nasserfakouhi@gmail.com

alirezaamirt95@yahoo.com

* دانشیار گروه انسان‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

** کارشناس ارشد انسان‌شناسی دانشگاه تهران

بیان مسئله

اوقات فراغت را می‌توان بخشی از سازمان‌دهی زندگی روزمره دانست. اوقات فراغت با کارهایی که ما در طول روز، هفته و سال انجام می‌دهیم تحت تأثیر قرار می‌گیرد و بر آنها تأثیر می‌گذارد. اگر سازمان زندگی روزمره و مؤلفه‌های آن با تغییرات اجتماعی دگرگون شوند، فراغت و مکان‌های آن نیز تغییر می‌کند. باید توجه داشت که فراغت امری بدیهی نیست. هیچ فعالیتی را نمی‌توان ذاتاً فعالیت فراغت دانست. راه رفتن در شهر، تماشای تلویزیون، ورزش و ... ممکن است در نگاه اول فعالیتی فراغتی به نظر برسند، اما ما نیاز داریم قبل از نتیجه‌گیری در مورد آنها در مورد بستر/فضای رخ دادن آنها بیشتر بدانیم. برای مثال این فعالیت‌ها می‌توانند بخشی از کار یا تأثیر یک محدودیت اجتماعی اجتناب‌ناپذیر باشند. فعالیت‌های گوناگون که زندگی روزمره را شکل می‌دهند در خصیصه فراغتی بودن خود و میزان آن متغیرند. هر چقدر این فعالیت‌ها رابطه کمتری با موضوع امرامعاش داشته باشند، بیشتر ممکن است به عنوان فعالیت‌های فراغتی به نظر برسند (فان در پل، ۲۰۰۶).

فراغت به عنوان شکلی از روابط اجتماعی در سبک زندگی، هویت، مصرف و جامعه‌پذیری مورد بحث است. شرایطی که مردم در زمان و فضای مشخصی به فعالیتی فراغتی می‌پردازند، مورد توجه محققان علوم اجتماعی بوده است. این زمان و فضا میزان انتخاب‌ها را همواره محدود می‌کند و شرایط نیز بر مبنای اجبارها و دسترس‌پذیری تعیین می‌شود. همچنین فراغت با جایگاه اجتماعی فرد و توزیع این جایگاه‌ها در میان جمعیت، سن و جنسیت در ارتباط است. مؤلفه فراغتی فعالیت‌های اجتماعی همواره بستگی به موقعیت اجتماعی شخصی دارد که این فعالیت را انجام می‌دهد. باید ذکر شود که فراغت می‌تواند در طول زمان تغییر کند و در مکان‌های مختلف شکل‌های متفاوت داشته باشد. فراغت پدیده‌ای چند وجهی است که شامل فضا، زمان، منابع، مخاطرات محیط و روابط قدرت می‌شود و پرسش‌هایی در مورد معنا، اخلاق، دسترس‌پذیری، آزادی، رشد فردی و سرخوشی ایجاد می‌کند که چند بعدی بودن مطالعات فراغت را سبب می‌شود.

فراغت در فضا خلق، اجرا و مصرف می‌شود. معنای محل‌های فراغت و تجربه فراغت در شیوه‌هایی که در آن افراد با آن فضاها و فعالیت‌ها مواجه می‌شوند شکل می‌گیرد. فرد در موقعیت‌های فراغتی خود مشارکت‌کننده‌ای فعال در تولید این فضاها و معنای آنها است. توجه به شاخص موقعیت‌مندی اعمال فراغتی در مطالعات فراغت از دهه ۸۰ قرن بیستم در نقد چشم‌اندازهای اختیارگرایانه و مستقل بودن افراد در اعمال فراغتی مطرح و بدن‌مندی و مکان‌مندی کنشگران فراغت را به عنوان پیش‌شرط‌های برجسته شد (رجک، ۲۰۰۵). مفهوم بدن‌مندی به عنوان یک مؤلفه اساسی در مطالعات فعالیت‌های فراغتی بیان می‌شود؛ در همان راستایی که کنشگر به مثابه یک بدن‌مند در نظر گرفته می‌شود (لوپروتون، ۱۳۹۱):

(۴۹).

با تقسیم فراغت در دو مقوله اصلی «فراغت درون خانگی» و «فراغت برون خانگی» می‌توان گفت که به طور کلی گرایش و منطق جامعه مدرن در آن است که گروه فعالیت‌های

برون خانگی را افزایش دهد (فکوهی و انصاری، ۱۳۸۲) این ایده که فضاهای فراغتی اجتماعی همچون خیابان‌ها، پارک‌ها، مجتمع‌های خرید و دیگر فضاهای اشتراکی نقش مهمی در شکل‌گیری یک اجتماع فعال و مشارکتی بازی می‌کند با نظریه دوتوکویل شروع شد و به وسیله شهرگرایان و طرفداران فضاهای عمومی تا به امروز ادامه پیدا کرده است (امین ۲۰۰۶ به نقل از شارپ، ۲۰۱۳). در این چشم‌انداز به فضاهای عمومی شهر به عنوان نمادهای سرزنده بودن و محل‌هایی برای تعامل افراد متفاوت نگاه می‌شود.

در دنیای امروز مفاهیمی همچون شهر پایدار، شهر پیاده‌مدار، شهر آهسته^۱، توانمندسازی عابر پیاده و حرکت‌هایی همچون جنبش پیاده‌گستری و یا راه رفتن در قرن ۲۱، موضوعاتی رایج هستند که نه تنها به حرکت پیاده و ابراز بدنی شهروندان به عنوان یک انتخاب و شیوه فعالیت فراغتی در فضای شهری توجه می‌کنند بلکه آن را نیازی در جهت مشارکت اجتماعی شهروندان و احیای نظام‌های مردم‌مدار می‌دانند. این در حالی است که گویی فضاهای شهری ما به عنوان مکان‌هایی که زندگی و مشارکت اجتماعی در آن اتفاق می‌افتد، کارکردهای فراغتی خود را از دست داده‌اند. لذا لزوم توجه به فضاها و مکان‌هایی که فرصت‌های فراغت را در سطح شهر فراهم می‌کنند و کنشگرانی که در عمل باید از امکان گذران اوقات فراغت جمعی برخوردار باشند، در مطالعات شهری امری ضروری به نظر می‌رسد، چراکه زمان و فضای فراغت به طور مداوم به‌وسیله کنش‌های مردم در فضای اجتماعی تولید و بازتولید می‌شود و ایجاد شرایط بهتر در این زمینه مستلزم فهم سازوکار آن است. این پژوهش مسئله را از چشم‌انداز بدن‌مندی مورد بررسی قرار خواهد داد.

بر مبنای مفهوم بدن‌مندی از یک طرف و پرسه‌زنی از طرف دیگر تلاش می‌شود تا به بررسی موقعیت‌های بدنی کنشگران با توجه به موقعیت‌های اجتماعی و مقطعی آنان در راه رفتن و پرسه‌زنی به عنوان شیوه‌ای از گذران اوقات فراغت در فضای شهری بپردازیم. منظور از بدن‌مندی یک میدان روش‌شناختی است که نه تنها شامل توجه به ابعاد فرهنگی و جسمانی بدن است، بلکه به روابط بین بدن‌ها با یکدیگر و بر میان‌کنش‌های مابین عامل‌های فرهنگی با یکدیگر و با محیط توجه دارد. در اینجا نیز با توجه به پویایی پیچیده میان‌کنش‌های کنشگران و سیستم اجتماعی- فرهنگی و با در نظر گرفتن چگونگی حالت‌ها، اداها و جهت‌گیری‌های بدنی کنشگران در پرسه‌زنی‌ها و راه رفتن‌های فراغتی در محیط به این مسئله می‌پردازیم که سازوکارهای بدن‌های فردی و اجتماعی در یک کنش فراغتی در فضای شهری چگونه به هم‌گرایی‌ها و واگرایی‌های حرکتی عاملان می‌انجامد؟ آیا این امر در یک موقعیت مقطعی صورت می‌گیرد و یا پی‌آمد موقعیت جمعی بدن‌مندی عاملان است؟

موقعیت انسانی و بنابراین بعد فیزیکی رابطه او با جهان تابع دنیایی از معانی است که بدن او را می‌سازد و رابطه اجتماعی وی را حفظ می‌کند (لوبروتون، ۱۳۹۱: ۹۶). توجه به اوقات فراغت از منظر بدن‌مندی می‌تواند در نهایت تلاشی باشد در جهت فهم این امر که در

¹ cittaslow

² Walk 21

کلان‌شهری همچون تهران چگونه بدن‌های فردی و جمعی در میان‌کنش‌های خود خصیصه با هم بودن را در اوقات فراغت پیکربندی می‌کنند.

پیشینه نظری

راه رفتن شیوه‌ای از درگیر شدن و تجربه مکان‌ها است. از طریق راه رفتن فرد تنها از میان فضای فیزیکی حرکت نمی‌کند، بلکه به طور فعال در پویایی اجتماعی و فرهنگی یک مکان سهیم است و مشارکت می‌جوید. این خود در فرآیندهای چرخه‌های تکراری در فضاهای شهری یک عاملیت است. راه رفتن به عنوان یک رخداد (لریمر، ۲۰۱۱)، بازتاب‌دهنده شکل‌ها و هنجارهای اجتماعی در حال تغییر (ادنسور، ۲۰۰۰ به نقل از لریمر، ۲۰۱۱) و عادت‌واره فضایی مکان‌ساز (نوهاوس، ۲۰۱۳) توصیف می‌شود و حکایت از معانی فرهنگی متعددی دارد که مطالعه آنها از منظر بدن‌مندی کمک می‌کند تا چگونگی فرآیندهایی که کنشگران در میان‌کنش با یک فضای فراغتی عمومی به خلاقیت‌های موقعیت‌مند دست می‌یابند را تحلیل کنیم. در اینجا است که فنون، اداها، هم‌جواری‌ها و موقعیت‌هایی که بدن‌های در حال حرکت را در نسبت‌های مختلف با یکدیگر و جهان اطرافشان درگیر می‌کنند اهمیت می‌یابد. همان‌طور که دوسرتو حرکت عابران پیاده را شکل‌دهنده آن سیستمی می‌داند که شهر را مکان‌مند می‌کنند و بدن‌های در شهر را تاروپودی در متن زندگی شهری می‌داند (دوسرتو، ۱۳۸۲: ۱۳۶).

بدن‌مندی بدن‌های در حرکت با توجه به موقعیت آنان نسبت به یکدیگر و شهر است که در میان‌کنش‌های جسمانی - حرکتی^۳ با خلق مکان و فضایی بدن‌مند در فرایند بازنمایی بدنی کنشگر و در استفاده از بدن خود در برخورد با کنشگران دیگر (ادها)^۴ در موقعیت‌ها شکلی ملموس می‌گیرد. در این حالت موقعیت مقطعی و یا جمعی کنشگران در یک فضای فراغتی درگیر اشکال مختلفی از این اداها می‌شود که با توجه به بدن‌مندی عاملیت انسان در سطوح مختلف قابل پیگیری است. در اینجا نیز ما دو سطح بدن فردی و اجتماعی را مد نظر خواهیم داشت. در سطح فردی بدن‌های در حال حرکت نقطه آغازی برای فهم درگیری فرد با محیط خود هستند و در سطح جمعی می‌توانند کلیدی شوند، برای دیدن شیوه‌هایی که معانی و هنجارها در فرهنگ‌های بدن‌مند به وجود می‌آورند. بدن و فرآیندهای حسی- حرکتی آن نقش مهمی در کنش‌های اجتماعی ما ایفا می‌کنند. دانشی که ما در مورد جهان اجتماعی به دست می‌آوریم به شیوه‌های درگیری بدن‌مند ما با محیط و کنشگران دیگر بستگی دارد، این محرک‌های اجتماعی درک‌شده تنها حالت‌های شناختی ما را تولید نمی‌کنند، بلکه حالت‌های بدنی ما را نیز تکوین می‌بخشند. در واقع محرک‌های اجتماعی بر جنبه‌های بدن‌مندی میان‌کنش‌های ما تأثیر می‌گذارند.

³ somatic_ kinesthetic interactions

⁴ gestures

این غیرممکن است تا عاملیت انسان را بدون در نظر گرفتن بدن‌مندی مورد ملاحظه قرار دهیم. از طرف دیگر رشد فناوری‌های جدید ظهور اشکال جدیدی از همراهی و کنش‌های متقابل انسان‌ها، نانسان‌ها و رویدادهایی که پس از حضور آنها پدید می‌آید را سبب می‌شود. تأثیر این «فضاهای دورگه»^۵ شیوه‌هایی سازمان‌دهی و تجربه کاربران فضای شهری را تغییر داده است. در اینجا ما شاهد تلفیقی از عاملیت انسان- نانسان در اجرای امر اجتماعی هستیم. توانمندسازی عابر پیاده با این فناوری‌های جدید، همچون تلفن همراه و آپید موضوعی است که با تأثیرگذاری بر کیفیت بدن‌مندی فرد بر چگونگی و حالات پرسه‌زنی در شهر نیز تأثیرگذار است، باید اشاره شود که وایس^۶ (۱۹۹۹) با توصیف بدن‌مندی به عنوان «میان جسمانیت»^۷ این مفهوم را می‌رساند که تجربه بدن‌مند بودن هرگز امری فردی نیست و همیشه از قبل به وسیله میان‌کنش‌های مداوم ما با بدن‌های دیگر انسان‌ها و نانسان‌ها میان‌جیگری می‌شود (به نقل از زرداس ۲۰۰۸).

در این میان است که بدن‌های ما در یک هم‌حضوری بدنی و نابدنی در سطح جمعی (بدن اجتماعی) قابل پیگیری و تحلیل می‌شوند. با در نظر گرفتن بدن‌مندی به عنوان یک میدان روش‌شناختی می‌توان سطوح بدن فردی و اجتماعی را بر مبنای میان‌کنش‌ها در موقعیت‌هایی که در یک فرآیند فراغتی راه رفتن در فضای شهری به وجود می‌آید، مورد بررسی قرار داد. در بازنمایی بدن درگیر در حرکت، بدن‌مندی از خلال موقعیت‌ها، میان‌کنش‌ها، احتمال‌ها و تجربه‌های یک بدن برساخته می‌شود و از خلال نشانه شناختی‌های گوناگون در چارچوب‌های فرهنگی و اجتماعی فهم می‌شود. از طرف دیگر با استفاده از مفهوم پرسه‌زنی و هویت بخشیدن به شیوه راه رفتن در فضای فراغتی الگویی از میان‌کنش‌ها با دیگران و با فضاها را داریم که در میان سیالیت و زودگذری شهر معاصر، پرسه‌زنی را به عنوان «یک شیوه بودن در جهان»^۸ مطرح می‌کند. در این چارچوب است که پرسه‌زن می‌تواند هم به عنوان ابژه و هم به عنوان سوژه تحلیل اجتماعی در نظر گرفته شود. علی‌رغم روشنفکرگرایی پرسه‌زن اولیه، این مفهوم دموکراتیزه شده است و اکنون به عنوان استعاره‌ای برای ساکنین شهر معاصر به کار می‌رود. در این خوانش از پرسه‌زنی است که اکنون پرسه‌زن به عنوان شیوه‌ای از بودن در جهان: در نظر گرفته می‌شود. بر این مبنا پرسه‌زن فضاهای شهری را می‌توان به عنوان نمونه‌ای برجسته در فهم چگونگی شکل‌گیری هویت‌ها از خلال مکان و چگونگی بدن‌مند شدن مکان‌ها در نظر گرفت. این مسئله که در طراحی و معماری شهر مدرن شکل پرسه‌زن ظهور پیدا کرد یک دلیل عمده داشت، مزیت پرسه‌زن به سادگی وقت فراغت بود. وقتی برای درنگ کردن و سکنی‌گزیدن در حرکت^۹ (رینولد، ۲۰۰۴: ۷۴).

^۵ hybrid spaces

^۶ Gail weiss

^۷ intercorporeality

^۸ A mode of being-in-the world

^۹ dwelling_in_motion

در نهایت آنچه در مطالعات راه رفتن در فضای شهر همواره مورد ملاحظه است ضرب‌آهنگ‌ها هستند. هر فضایی از خلال ضرب‌آهنگ‌های کنشگرانی که درون آن هستند، شکل می‌گیرد. راه رفتن خودش ضرب‌آهنگ غالب شهر است. هم راه رفتن به عنوان شرط ویژه ادراک و هم کیفیت ضرب‌آهنگی به عنوان مشخصه کلیدی مکان‌های شهری که خودش به راه رفتن وابسته است، نقش مهمی در اینکه چگونه به طور فردی و اجتماعی با مکان‌ها ارتباط داشته باشیم و آنها را به خاطر بیاوریم بازی می‌کنند. مفهوم ضرب‌آهنگ فرصتی فراهم می‌کند که می‌توان تجربه شهری و کنش بدن‌مند راه رفتن را از خلال بدن‌های در حرکت و روابط مادی و اجتماعی آنها در خیابان در ارتباط با پژوهشگری که خود نیز در حرکت و مشاهده است بهتر دریافت. انواع ضرب‌آهنگ‌ها در انواع راه رفتن شهری بدن‌مند شده است. کیفیت این ضرب‌آهنگ‌ها است که می‌تواند در شناخت میان‌کنش بدن با محیط و درهم پیچیدن مداوم فضا و حس‌ها در شهر راه‌گشا باشد. راه رفتن در خودش یک ضرب‌آهنگ اجتماعی - فضایی است و از طریق راه رفتن فرد مکان‌های شهری را به عنوان منظومه‌ای از ضرب‌آهنگ‌های فضایی، اجتماعی، فرهنگی، طبیعی و دیگر ضرب‌آهنگ‌های حسی درک و تجربه می‌کند. ضرب‌آهنگ‌های شهری در فعالیت و زندگی انسان در مکان‌های شهری همه‌جا هستند. آنها شکل‌های ملموسی به خود می‌گیرند، بر یکدیگر اثر متقابل دارند، با یکدیگر ترکیب می‌شوند و محیط اجتماعی - فضایی روزمره را تشخیص می‌بخشند. هرکدام از این ضرب‌آهنگ‌ها در مکان‌های شهری که در واقع «میدان‌هایی چند ضرب‌آهنگی»^{۱۰} هستند و مردم بخشی از آن به حساب می‌آیند، با فرد میان‌کنش دارند. بدین طریق است که راه رفتن به عنوان یک فعالیت فیزیکی در شهر روش اصلی درک و زندگی در شهر می‌شود (ووندرلیچ، ۲۰۰۵).

در شهر تهران گویی تمایل اندکی برای راه رفتن به عنوان یک انتخاب در حرکت از خلال فضای شهری وجود دارد. به نظر می‌رسد تقریباً تمامی راه رفتن‌های عابران پیاده در پاسخ به یک نیاز یا یک اجبار برای راه رفتن (همچون خرید ضروری یا رفتن به محل کار باشد. (معینی، ۲۰۱۱). از سوی دیگر عدم توجه طراحی شهری ما به اهمیت افراد پیاده موضوع چالش‌برانگیزی است. این در حالی است که بدن و حرکت آن به عنوان محل اولین دسترسی به تجربه خود و دیگری است (کایلو، ۲۰۰۳) در سال‌های اخیر نیز ما شاهد هستیم که با به وجود آمدن علاقه بیشتر برای داشتن اتومبیل شخصی، گسترش بزرگراه‌ها و خیابان‌ها و در نهایت علاقه روزافزون به پرسه‌زنی با اتومبیل. در تهران پیاده‌روی در شهر در محاق عمیق‌تری فرورفته است. از نظر رضایی (۱۳۹۳) شهرهای ایرانی توان سازمان‌دهی الگوهای گذران اوقات فراغت شهروندان را ندارند. وی به این مسئله اشاره می‌کند که در گذشته این ناتوانی محصول تقابل شهر/خانه بوده است. امروزه تقابل رسانه/شهر هم اضافه شده است. در مطالعه‌ای که کاظمی (۱۳۸۷) در رابطه با اوقات فراغت انجام می‌دهد، عمده

¹⁰ polyrhythmic fields

پاسخگویان (دانشجویان دانشگاه‌های کشور) در الگوی فراغتی خود تأکید بیشتری بر گذران اوقات فراغت در فضاهایی غیر از فضای شهری دارند (به نقل از رضایی، ۱۳۹۳).

پرسش‌ها و روش‌شناسی

این پژوهش درصدد فهم چگونگی گذران یک فعالیت فراغتی فعالانه در مفهوم پرسه‌زنی در فضای شهری از چشم‌انداز بدن‌مندی است. در اینجا این پرسش را مطرح می‌کنیم که موقعیت‌های بدنی با توجه به موقعیت‌های مقطعی و اجتماعی کنشگران در محیط به چه صورت موجب همگرایی‌ها و یا واگرایی‌های در حرکت در این فضاها می‌شود؟ چه سازوکارهایی میان روابط اجتماعی و فرهنگی این بدن‌های فردی و جمعی در حرکت در جریان است؟ چگونه این روابط بر اداها، ضرب‌آهنگ‌ها و موقعیت‌های بدنی کنشگران در دو سطح بدن فردی و جمعی تأثیر می‌گذارند و از آنها متأثر می‌شوند؟ در واقع در اینجا چگونگی و سازوکارهای این روابط و موقعیت‌ها در فضا و اوقات فراغتی بر کنشگر مد نظر است؛ و در نهایت فهم این مسئله که بدن‌ها در دو سطح فردی و جمعی در یک فعالیت فراغتی در یک فضای عمومی در شهر تهران در چه ارتباطی با یکدیگر قرار می‌گیرند؟

میدان تحقیق در این مطالعه در سه گونه فضای باز، نیمه‌باز و بسته عمومی (خیابان، آستانه‌های مجتمع تجاری و درون آن) در محله شهرک قدس (غرب) خواهد بود. روش‌شناختی این تحقیق بر مبنای مردم‌نگاری «راه رفتن»^{۱۱} (بی‌ان، ۲۰۱۴) در سه سطح شکل می‌گیرد. در اینجا سعی می‌شود با انواع پرسه‌زنی اکتشافی- حرکتی^{۱۲}، مشاهده‌گری ایستا^{۱۳} و دنبال کردن حرکتی^{۱۴} (نوولاتی، ۲۰۱۴) روشی به دست آید که بتوان فرصتی از مشاهده تا تجربه راه رفتن با^{۱۵} سوژه برای محقق فراهم آید. این مسئله که پژوهشگر با سوژه حرکت کند، باعث می‌شود وی نیز به سازمان اجتماعی حرکت‌ها تبدیل شود که در مطالعات تحرک‌ها از جنبه روش‌شناختی مورد توجه است (بوشر و دیگران، ۲۰۱۰).

در روش مردم‌نگاری راه رفتن، مردم نگار با راه رفتن خود به تحقیق در فضای شهری می‌پردازد و میان کنش‌های بدنی و حس‌ها اغلب با قرار گرفتن بدن در مکان تجربه می‌شود. با غوطه‌وری در فضاهای میدان، بررسی چگونگی میان‌کنش‌های کنشگران و موقعیت‌های بدنی آنان در اداها، حالت‌ها، جهت‌گیری‌ها و ضرب‌آهنگ‌های راه رفتن در موقعیت مد نظر است. همچنین در اینجا با استفاده از عکس سعی می‌شود به مستندسازی جنبه‌های بصری میدان پژوهش پرداخته شود. از طرف دیگر بر مبنای تقسیم‌بندی انواع الگوهای راه رفتن در فضای شهری که از طرف ووندربلیچ (۲۰۰۸) مطرح شده است می‌توان به یک چارچوب روش‌شناختی در این مطالعه دست یافت. از نظر وی ما در مکان‌های شهری شاهد هم‌نوایی

¹¹ walking ethnography

¹² explorative_ mobile

¹³ observative _ static

¹⁴ shadowing _ mobile

¹⁵ walking with

انواع مختلف راه رفتن هستیم. شیوه‌های هدفمند راه رفتن^{۱۶} از شیوه‌های بیشتر بلاغی راه رفتن^{۱۷} و شیوه‌های بیشتر مفهومی / بازتابی^{۱۸} راه رفتن متفاوت‌اند. اولی شیوه ضرب‌آهنگ سریع و ثابتی دارد و با موج جمعیت در رقابت است. دومین شیوه ضرب‌آهنگ آهسته و متغیری دارد که می‌توان آن را ضرب‌آهنگ پرسه‌زنی در نظر گرفت. این شیوه راه رفتن هم‌زمان که با ضرب‌آهنگ‌های درون بدن (زیست‌شناختی و روان‌شناختی) انطباق دارد به ضرب‌آهنگ‌های محیط خارج و زمانمندی در فضای شهری نیز حساس است. آخرین شیوه راه رفتن نیز که یادآور نظریات موقعیت‌گرایان در نگاهشان به شهر است، با ضرب‌آهنگ‌ها آهسته‌تر و مکث‌های طولانی‌تر، به طور انتقادی آگاهی را بر می‌سازد و با توجه خود به صحنه‌های شهری بستری برای خلاقیت فرد فراهم می‌کند.

میدان پژوهش

شهرک قدس (غرب) در محدوده منطقه ۲ شهرداری تهران (ناحیه ۷) واقع شده است. محدوده فعلی این محله از شمال به بلوار دادمان (پونک باختری)، از جنوب به بزرگراه همت، از شرق به بزرگراه چمران و از غرب به بزرگراه یادگار امام منتهی می‌شود. در سال ۱۳۴۰ «مجتمع مسکونی شهرک غرب» در شمال غربی تهران، با طراحی و معماری مهندسان آمریکایی و بر اساس الگوی نمونه برج‌های مسکونی آمریکا ساخته و به همین دلیل نام آن شهرک غرب شد. در تهران امروز، از خیابان‌بندی‌ها و بلوارهای عریض این محله، امکان دسترسی به چندین بزرگراه اصلی، مجتمع‌های تجاری و برج‌های مسکونی بلند آن، خانه‌های ویلایی و بوستان‌های عمومی این محله به عنوان شاخصه‌های مهم آن می‌توان نام برد. میدان این پژوهش خیابان‌های این محله و دو مرکز خرید میلاد نور و گلستان است.

تفاوت‌های فضایی / کالبدی مجتمع گلستان و میلاد نور

مجتمع تجاری میلاد نور که در ابتدای بلوار فرحزادی قرار گرفته است، ساختمانی ۱۱ طبقه شامل سه طبقه پارکینگ، دو طبقه همکف و شش طبقه ساختمان با نمایی شیشه‌ای و سبز رنگ است. ساخت مجتمع تجاری میلاد نور در سال ۱۳۷۰ شروع و در سال ۱۳۷۸ افتتاح شد. مجتمع خرید گلستان (افتتاح ۱۳۶۸) نیز که در تقاطع خیابان ایران زمین و مهستان واقع شده است، شامل ۲ طبقه (و یک طبقه همکف) است. همچنین این مجتمع یک طبقه پارکینگ دارد.

تفاوت‌های فضایی (کالبدی) که این دو مجتمع در جهت‌یابی فضا و مسیرهای حرکتی که هر کدام از این مکان‌ها با طراحی متفاوت خود ایجاد کرده‌اند، مورد ملاحظه است. همچنین می‌توان این تفاوت‌ها را در سطح درگاه‌های خروجی آنها به عنوان فضایی نیمه‌باز

¹⁶ purposeful ways of walking

¹⁷ rhetoric ways of walking

¹⁸ conceptual / reflexive ways of walking

ادامه داد. در مجتمع میلاد نور مسیر حرکت به علت مارپیچ‌ها و برش‌هایی که متناوباً ایجاد شده است، فرد فضای بصری محدودتری دارد. در دو طرف مسیر حرکت فروشگاه‌ها قرار گرفته‌اند که فرد در میان آنها راه می‌رود. این مسیرهای ایجادشده در انتهای سالن‌ها و در قسمت دسترسی به پله‌های برقی هر طبقه به هم می‌رسند و فضای بازتری پدید می‌آید و باعث می‌شود در قسمت‌های چپ، راست و روبروی پله‌ها محلی برای خرده‌فروشی و قرارگیری میزهایی برای تبلیغات محصولات مختلف شرکت‌ها ایجاد شود. نورپردازی ضعیف‌تر نسبت به مجتمع گلستان و سقف‌های کاذب زنبوری کوتاه در این طبقه‌ها نیز باعث تفاوت‌هایی در حس مکان در دو مجتمع می‌شود. باید توجه داشت که میزان، جهت و جنس نور و درجه یا همان سردی و گرمی نور، همگی در تجربه فرد از فضا نقش دارند (مقدم و احمدی، ۱۳۹۴) همان‌طور که ساختار فضایی متفاوت این دو مجتمع که بر دیدن، دامنه و عمق آن، ترتیب دیده شدن و به طور کل میدان بصری فرد اثر می‌گذارد، در این تجربه مهم است.

از طرف دیگر در گلستان کیفیت سازمان‌دهی فضا باعث شده است که فرد از نظر بصری افق دید بهتری داشته باشد. طراحی این مجتمع به گونه‌ای است که فرد با فضایی مواجه می‌شود که می‌تواند با توجه به ساختار آن دید وسیع نسبت به طبقه‌های دیگر داشته باشد. یکپارچگی طبقه همکف و نورپردازی قوی، قرار گرفتن فروشگاه‌ها در یک سمت مسیر حرکت در طبقات اول و دوم و فضای باز سمت دیگر که از خلال آن می‌توان فروشگاه‌ها و افراد سمت دیگر را ناظر بود و فرصت سراسر بین بودن فرد از طبقه‌های اول و دوم که موقعیت خاصی به آن بخشیده‌اند، همگی در تجربه پرسه‌زنی و راه رفتن فراغتی می‌توانند اثربخش باشند. همچنین در گلستان به غیر از طبقه همکف که همزمان فضای بصری و حرکتی وسیع‌تر را ایجاد کرده است، فضای حرکتی در دیگر طبقات که از کناره‌های فروشگاه‌ها ایجاد شده است محدود بوده و باعث مواجهات بدنی بیشتری میان افراد می‌شود؛ که این امر بر میزان جهت‌گیری‌ها، مکث‌ها و اداهای بدن در ساعات پر ازدحام مجتمع شاخص است.

راه رفتن فراغتی در مراکز خرید

مؤلفه اصلی مکان‌های شهری زمانمندی است. در این مکان‌ها زمانمندی، به عنوان یک ویژگی طبیعت، مردم و فضا تجربه می‌شود و از روابط پویای آنها پدید می‌آید. زمانمندی هم به عنوان زمان تجربه‌شده (زیسته) و هم محلی‌شده (بازنمایی‌شده) از خلال اشکال پیچیده ضرب‌آهنگ‌ها است که تجسم می‌یابد (ووندرلیچ، ۲۰۰۸). ضرب‌آهنگ‌های بدن فرد در حرکت در کنش با ضرب‌آهنگ‌های بدن‌های دیگر و با فضای اطراف خود قرار می‌گیرد و به ضرب‌آهنگ‌های طبیعی آن فضا (چرخه‌های شبانه‌روز و آب‌وهوا و فصول مختلف) اضافه می‌شود. به بیان دیگر می‌توان گفت که در واقع چگونگی کنش‌های بدن‌مند دیگران در

میان‌کنش فرد و فضا از خلال ضرب‌آهنگ‌های موقعیتمندی حاصل می‌شود که در سطوح بدن‌مندی‌های مختلف در جریان است.

همان‌طور که اشاره شد تفاوت‌های محسوسی در سطح ریخت‌شناسی، بصری و ادراکی در دو مجتمع میلاد نور و گلستان وجود دارد. این امر باعث می‌شود که درگیر شدن و تجربه مکان برای شخص در این دو محل که در ارتباط با ضرب‌آهنگ‌های فضایی و ضرب‌آهنگ‌های راه رفتن قرار می‌گیرند، متفاوت باشد. از طرف دیگر چگونگی میان‌کنش‌های اجتماعی بدن‌مند می‌تواند تولیدکننده فضاهای فراغتی باشد که بین الادهانیتی را از خلال مواجهه‌های بدنی افراد در صحنه پدید می‌آورد. در واقع مؤلفه فراغتی راه رفتن در و از خلال بسترهای پیچیده تجربه مکان که درون یک میدان رابطه‌ای آشکار می‌شود، در فضاهای جمعی از این دست اغلب به عنوان بخشی از میان‌کنش‌های انسان‌ها با یکدیگر است که بروز می‌یابد. مؤلفه فراغتی در اینجا همچون راه رفتن یک فرآیند رابطه‌ای و پویا است که در یک فضای در حرکت از خلال میان‌کنش‌ها با محیط اطراف (انسان‌ها و ناسان‌ها) آشکار می‌شود (داوتی، ۲۰۱۳). همچنین در مجتمع‌های خرید با کارکرد فراغتی ضرب‌آهنگ‌های زمانی در ساعت و روزهای مختلف خود بر میزان میان‌کنش‌های بدن‌مند و پیچیدگی‌های ضرب‌آهنگ‌های درون این فضاها می‌افزاید که همگی بازنمایی‌کننده موقعیت‌های کالبدی ویژه‌ای هستند. تأثیر این مسئله بر چگونگی اداهای بدن که بر مبنای سن، جنسیت و ابژه‌هایی که فرد با خود حمل می‌کند متفاوت و متغیر است. همچنین در زمان‌های مختلف، ضرب‌آهنگ فضایی پویا و ایستا در این مراکز خرید تغییر می‌کند. ضرب‌آهنگ فضایی ایستا در مسیرهای حرکت افراد، نه تنها شامل ویتترین مغازه‌ها، کالاها و تبلیغات و به طور کلی ابژه‌ها و الگوهای سطحی نمایان در فضا می‌شود، بلکه بدن‌های ایستاده یا نشسته را برای فرد در حال حرکت نیز در برمی‌گیرد. در این مکان‌ها مخصوصاً در ساعت‌های خلوت روز بعضی از مغازه‌داران به بیرون فروشگاه خود می‌آیند و در کنار آن با یکدیگر مشغول صحبت می‌شوند. از طرف دیگر نگهبان‌های این مجتمع‌ها که عموماً در هر طبقه می‌توان آنها را با لباس‌ها و تجهیزات خاص مشاهده کرد، در سطوح گوناگون ضرب‌آهنگ‌های ایستا و پویای همیشگی برای فرد در حال حرکت هستند. ضرب‌آهنگ راه رفتن این افراد و به طور کلی کارکنان درون این مراکز هدفمند و در راه رفتن با سرعت سریع‌تر خود و جهت‌گیری مستقیم بدن از پرسه‌زنان قابل تفکیک است. لذا در پرسه زدن در این محیط‌ها فرد همواره در موقعیت‌های مختلف در سطحی از میان‌کنش بدنی با این ضرب‌آهنگ‌های فضایی بدن‌مند قرار می‌گیرد. از طرف دیگر پخش موسیقی بی‌کلام و ملایم که گهگاه از بلندگوهای این مکان‌ها شنیده می‌شود خود می‌تواند بر چگونگی ضرب‌آهنگ‌های بدن در حرکت و آهستگی آن و حس مکان تأثیرگذار باشد.

تصویر ۱: راه رفتن فراغتی در مجتمع تجاری گلستان



منبع: نگارندگان، دی ۱۳۹۴

تصویر ۲: راه رفتن فراغتی در مجتمع تجاری گلستان



منبع: نگارندگان، دی ۱۳۹۴

در ساعت‌های خلوت (صبح‌ها و ظهرها) در این مجتمع‌ها سالمندان و جوانان دو گروه عمده‌ای هستند که به صورت تنها یا گروهی در این محیط‌ها مشاهده می‌شوند و پرسه‌زنی و راه رفتن فراغتی آنها در نسبتی از الگوهای ضرب‌آهنگ‌های بلاغی و بازتابی/مفهومی قابل مشاهده است. به طور کاملاً محسوسی میزان زمانی که این افراد در مجتمع‌ها سپری می‌کنند متفاوت است. فضای حرکتی وسیع‌تر، معماری متفاوت، جدا بودن کامل فضای نیمه‌باز درگاه ورودی مجتمع گلستان و وجود حوض آب و نیمکت‌هایی که در این قسمت قرار گرفته‌اند، دارا بودن یک حیاط وسیع در قسمت پشت این مجتمع که برای قدم زدن و نشستن مکان مناسبی را ایجاد کرده است، قدیمی‌تر بودن و جایگاه مکانی و محلی‌تر بودن آن در مقایسه با میلاد نور که در کنار یک بلوار پررفت‌وآمد قرار گرفته، گویی حس مکانی بیشتری را به این محل داده است. از طرف دیگر با پیوستگی بصری و تضاد و تنوع در معماری آن نیز ما شاهد تقویت حس مکان در گلستان هستیم. این در حالی است که محدود شدن دید و یکنواختی در میلاد نور خود می‌تواند احساس تنگی ایجاد کند.

تفاوت‌های منظر در یک فضا خود بر درک و جهت‌یابی در فضا تأثیر می‌گذارد. انتخاب یک مکان که در اینجا بر مبنای مؤلفه فراغتی بودن آن در راه رفتن و پرسه‌زنی مورد بحث است، همواره بر مبنای فهرستی از ویژگی‌های مطلوب و ترجیح‌هایی در مورد سبک زندگی و مقایسه مکان‌های واقعی با مکان‌های ایده‌آل صورت می‌گیرند که انطباق با آن مکان را در پی داشته باشد (نگین تاجی، ۱۳۸۹). در موقعیت‌هایی که راه رفتن به عنوان گزینه‌ای برای اوقات فراغت انتخاب می‌شود، بودن گزینه‌های جایگزین در دسترس برای نشستن در جوامع نشسته^{۱۹} دوران ما امری مهم است (اینگولد، ۲۰۰۴). این مسائل باعث شده است که در مرکز خرید گلستان محیطی به وجود آید که در آن افراد بتوانند به طور نسبی آزادی در انتخاب بیشتری را تجربه کنند. این امر به‌ویژه در دوران سالمندی که نه تنها الگوهای راه رفتن فرد تعدیل می‌شود بلکه درگیری در فراغت که به ندرت آزاد از محدودیت‌های اجتماعی و فردی (کاهش سلامتی، بازنشستگی و یا دسترس‌پذیری به مکان‌های فراغتی) است، نمود بیشتری یابد. در اینجا سعی می‌شود که در ادامه راه رفتن فراغتی در این محل‌ها را به دو صورت فردی و جمعی مورد بررسی قرار دهیم. قابل ذکر است که در ساعت‌های خلوت به همان میزانی که می‌توان مردان سالمند بیشتری نسبت به زنان سالمند (به ویژه به صورت تنها) مشاهده کرد، می‌توان در محدوده سنی جوانان و بزرگسالان زنان بیشتری چه به صورت تنها و چه در همراهی با زنان دیگر را ناظر بود.

¹⁹ sitting society

تصویر ۳: راه رفتن فراغتی در مجتمع تجاری میلاد نور



منبع: نگارنده، دی ۱۳۹۴

تصویر ۴: راه رفتن فراغتی در مجتمع تجاری میلاد نور



منبع: نگارنده، دی ۱۳۹۴

الگوی راه رفتن فرد سالمند تنها را که به پرسه‌زنی در این مکان‌ها می‌پردازد، می‌توان بیش از آنکه الگوی بلاغی در نظر گرفت، الگویی بازتابی / تأملی دانست. مکث‌های بیشتر در مواجهه با ویتترین مغازه‌ها، ضرب‌آهنگ آهسته‌تر، میان‌کنش‌های بدنی بیشتر با محیط اطراف خود و میان‌کنش‌های کمتر با وسایلی همچون تلفن همراه و آپد (در فرد سالمند تلفن

همراه هنوز به ادامه دست تبدیل نشده است) نسبت به گروه‌های دیگر سنی از جمله مواردی هستند که می‌توان به آن اشاره کرد. این در حالی است که جوانانی که به تنهایی در حال پرسه‌زنی هستند، به شکل بلاغی تری راه می‌روند، میان کنش‌های متناوب با تلفن همراه خود دارند، کمتر مکث می‌کنند و ضرب‌آهنگ سریع‌تر و جهت‌گیری‌های یکنواخت‌تری دارند. ازدحام کمتر فضای حرکتی را بیشتر می‌کند و انتخاب مسیر را آسان‌تر می‌کند. در این موقعیت‌ها مکث‌ها و چرخش‌های بدن آزادتر است و فرآیند معناسازی در فراغتی بودن راه رفتن فرد در هماهنگی بیشتری با ضرب‌آهنگ‌های محیط اطرافش قرار می‌گیرد. این امر در همراهی کردن فرد دیگر در این مکان‌ها متضمن نوعی از مشارکت و بدن‌مندی می‌شود و بیشترین سطح «هم‌ترازی»^{۲۰} و ضرب‌آهنگی را شاهد هستیم. در این حالت همگرایی در حرکت مشارکت‌کنندگانی که میدان بصری یکسانی را سهیم هستند افزایش می‌یابد. در زمان‌های شلوغ و از آنجا که احتمال میزان برخورد با دیگران بالا می‌رود اداهای بدن نیز گسترده‌تر، مرزهای مابین بدن و محیط اطراف آن کمرنگ‌تر و جهت‌گیری بدن بر مبنای مؤلفه‌های سنی، جنسیتی و ضرب‌آهنگی آن در فزونی سیالیت این مکان‌ها تداعی می‌شود. در موقعیت‌های مختلف سطح بدن‌مندی فردی و اجتماعی از خلال «مکان‌سازی»^{۲۱} راه رفتن میزان همگرایی‌ها و واگرایی‌ها تعیین می‌شود. در موقعیت‌های مقطعی که مسیر افراد غریبه یکسان می‌شود، یک مکث کوتاه یا تغییر جهت بدن روشی است که فرد به کار می‌گیرد تا این توازی به هم بخورد. این مسئله در دو مکان ذکر شده امری کلی است که در زمان‌های مختلف شاهد آن هستیم. این واگرایی‌ها حرکتی در برخورد میان یک پرسه‌زن تنها و یک گروه نسبت به موقعیت‌های دیگر بیشتر است. در این حالت این ضرب‌آهنگ راه رفتن به طور عام و پاهای به طور خاص است که به حضور و فعالیت دیگران پاسخ می‌گوید. باید اشاره شود که موقعیت دست‌ها در این مکان‌ها برای فرد پرسه‌زن به ندرت آزاد و در امتداد بدن است. در واقع تاب خوردن بازوان (در هر دو دست) امری نادر است. فرد اگر وسیله‌ای همچون کیف‌دستی، عصا، یا تلفن همراه در دستانش نباشد که این خود به ندرت مشاهده می‌شود، گویی، ترجیح بر این است که راه رفتن با دست‌های گره‌کرده در پشت و یا در جیب‌های کت، شلوار و مانتو اجرا شود. این امر خود بر آهستگی ضرب‌آهنگ فراغتی راه رفتن در این مکان‌ها که در نگاه اول به نوعی یادآور راه رفتن آهسته زوار است که در آن راه رفتن یک تجربه بدن‌مند در محیطی ویژه است که احساس اخلاقی ارزشمندی را تداعی می‌کند. هر چقدر که ضرب‌آهنگ‌های راه رفتن زوار به عنوان محصولی از مکان‌ها (لریمر، ۲۰۱۱) عموماً در یک بدن اجتماعی در یک رابطه ضرب‌آهنگی همزیست و هماهنگ^{۲۲} با یکدیگر قرار می‌گیرند، در این میدان‌ها ما در موقعیت‌های جمعی شاهد اغتشاش و ازهم‌گسیختگی ضرب‌آهنگ‌های حرکتی افراد هستیم. واگرایی‌ها و همگرایی‌ها در حرکت بر سطوح میان‌کنش‌های بدن‌مند تأثیر می‌گذارد، این امر به همان اندازه که بر میزان

²⁰ alignment

²¹ place_making

²² eurhythmia

بدن‌مندی فرد به عنوان ظرفیتی که نیاز به توسعه دارد خود را نشان می‌دهد، بر شکل‌گیری بدن اجتماعی نیز محسوس است که در کنش و میان‌کنش مواجهه‌های اجتماعی موقعیت‌مند این بدن‌های فردی به وجود می‌آید و در اینجا بازتابی از ظرفیت‌های ادراک حسی حرکتی این بدن‌های فردی است. همگرایی و واگرایی در این مکان‌ها می‌توانند همزمان اتفاق بیفتند. فردی که در همراهی با دوستان و خانواده خود در حال راه رفتن است بدن‌مندی خود را در دوگانه این واگرایی‌ها و همگرایی‌های در حرکت است که تجربه می‌کند؛ اما می‌توان گفت در یک حالت کلی مواجهه با فرد غریبه واگرایی در حرکت را در پی دارد و این واگرایی بر مبنای میزان تنگ شدن مسیر راه رفتن فرد، در یک یا چند گام اتفاق می‌افتد.

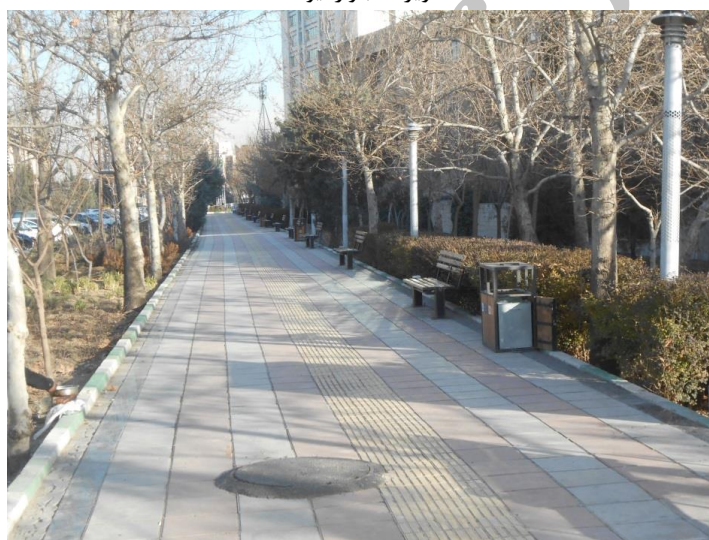
راه رفتن در خیابان

راه رفتن به طور عام و راه رفتن فراغتی و پرسه‌زنی به طور خاص در فضاهای عمومی شهر امر عادی به نظر می‌رسد. مگر آنکه به علت محدودیت‌های اجتماعی، زیست‌شناختی یا محیطی با موانعی مواجه شود. در تهران امروز این امر به شدت تحت تأثیر آلودگی هوا از یک طرف و اتومبیل‌محوری از طرف دیگر قرار گرفته است که بر سازمان‌دهی مادی و اجتماعی فضا تأثیر می‌گذارد. همچنین شیب شمالی - جنوبی خیابان‌ها در تهران خود باعث می‌شود که راه رفتن فراغتی به عنوان یک انتخاب برای فرد در محدودیت قرار گیرد. ما در محله شهرک غرب نیز شاهد این امر هستیم. با آنکه این محله نسبت به محله‌های دیگر شهر دارای پیاده‌روهای عریضی است و در سال‌های اخیر پیرو زیباسازی منظر شهری فضاهای سبز و نیمکت‌هایی هم در فواصل بعضی از پیاده‌روهای خیابان‌ها و بلوارهای آن همچون پاک‌نژاد و ایوانک قرار گرفته است، اما موانع اشاره‌شده باعث عدم استقبال مردم به این فضاهای باز عمومی شده است. با این حال ما شاهد حضور افرادی هستیم که راه رفتن در خیابان‌های این محله. بخشی از اوقات فراغت آنان محسوب می‌شود. راه رفتن فراغتی در فضای باز شهری اصولاً به عنوان یک تمرین بدنی مناسب و یک ورزش در نظر گرفته می‌شود. سویه فراغتی بودن آن با ضرب‌آهنگ آهسته‌تر، مکث‌ها، درگیری‌ها و میان‌کنش‌های بدن‌مند بیشتر، پدیدارشناسی شیوه‌های جسمانی توجه^{۲۳}، جستجوی فضایی و انتخاب مسیر متمایز می‌شود. مشاهده‌های میدانی نشان می‌دهد که میزان این شیوه راه رفتن به عنوان کنشی فراغتی نیز در ارتباط با ضرب‌آهنگ زمانی و شرایط آب و هوایی در ساعت‌های خاصی (همچون صبح‌های زود و آخر شب‌ها) که از بار ترافیکی محله کاسته شده است، قرار می‌گیرد. باید توجه داشت که برخلاف مکان‌هایی همچون مجتمع‌های خرید که افراد از مناطق مختلف شهر در آن حضور دارند، راه رفتن فراغتی در این ساعت‌ها در خیابان‌های محله عمدتاً کنشی است که توسط ساکنین خود محله صورت می‌گیرد. همچنین ترجیحاتی برای انتخاب مسیر عمدتاً در خیابان‌های اصلی همچون دادمان با محور شرقی - غربی و سطحی وجود دارد. از طرف دیگر با توجه به باز بودن فروشگاه‌ها و مغازه‌ها تا

²³ somatic modes of attention

پاسی از نیمه‌شب در این خیابان‌ها و ضرب‌آهنگ‌های فضایی آنها و رفت‌وآمد فرد می‌تواند پویایی اجتماعی حرکت بدن‌مند خود را در جامعه‌پذیری به گونه‌ای تجربه کند. در یک نگاه کلی از نظر معینی (۱۳۹۰) پیاده‌روی نیازمند شبکه به‌هم‌پیوسته، کاربری‌های مختلط و تعدد و نحوه ارتباطشان با مسیر از لحاظ موقعیت مکانی و کیفیت جذاب خیابان و نقاط دسترس، روشنایی پیاده‌رو، نوع محور و عدم شیب طولانی و امنیت است (به نقل از پورجعفر و موسوی، ۱۳۹۲). با توجه به این موارد است که خیابان دادمان نسبت به خیابان‌های دیگر این محل در اولویت است. خیابان‌های همچون پاک‌نژاد، ایوانک و خوردین با وجود فضای سبز و سنگفرش‌ها و کف سازی به مراتب مناسب‌تر و وجود نیمکت‌های کناره پیاده‌رو (ایوانک) قاعدتاً بستر مناسب‌تری برای پیاده‌روی هستند، اما به علت دسترسی محلی نامناسب (خوردین و ایوانک)، شیب خیابان (خوردین و فلامک) و عدم وجود کاربری‌ها و مغازه‌های شهری عموماً به عنوان محل‌هایی برای راه رفتن فراغتی توسط اهالی محل مورد استقبال قرار نمی‌گیرند.

تصویر ۵: بلوار ایوانک



منبع: نگارندگان، دی ۱۳۹۴

در کل نیز می‌توان گفت ضرب‌آهنگ راه رفتن فراغتی افراد در این خیابان‌ها در میان الگوهای راه رفتن بلاغی و هدفمند در نوسان بوده که بر مبنای سد معبرهایی همچون ساختمان‌سازی، عبور اتومبیل و یا پارک اتومبیل در تقاطع کوچه‌ها و خیابان‌ها و یا پل‌ها، تغییر سطح مسیر و پلکانی شدن پیاده‌رو به طور متناوبی منقطع می‌شود. این موارد در مخاطره افتادن بدن فردی را در راه رفتن خود بالا می‌برد. جهت سر جز در موقعیت‌های مقطعی همچون عبور از کنار دیگری و یا از کنار یک فروشگاه، رستوران، نمایشگاه اتومبیل که در شب‌ها نیز معمولاً شاهد ایستادن و رفت‌وآمد بیشتر در روبه‌روی آنها هستیم، رو به پایین و مسیر جلوی پا است. دست‌ها آزاد و به ندرت حامل وسیله‌ای هستند لذا چرخش

بازوان و حرکت دست‌ها آزادتر از فضاهای بسته مشاهده شده است. یکی از ضرب‌آهنگ‌های فضایی همیشگی برای فرد در حال حرکت در این میدان ضرب‌آهنگ بدن‌های زباله جمع‌کن‌هایی است که با گونی‌های بزرگی بر دوش امروز جز مناظر ثابت شهر تهران در شبانه‌روز هستند. فردی هم که برای اوقات فراغت خود پرسه‌زنی در شهر را برمی‌گزیند به صورت کم‌وبیش در نسبتی از میان‌کنش بدن‌مند با این افراد قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

از زمان مطالعات گافمن در فضاهای شهری این بحث مطرح است که راه رفتن در ذات خود یک فعالیت اجتماعی است. اجتماعی بودن آن در ضرب‌آهنگ راه رفتن فرد و شیوه‌های بدن‌مندی وی در میان‌کنش‌های اجتماعی موقعیت‌مند بازنمایی می‌شود. در این میان الگوهای حرکت روزانه در شهر امروز عرصه ارزشمندی برای مطالعه پیامدهای بزرگ‌تر همبستگی اجتماعی هستند (جنسن، ۲۰۰۶). در واقع بین شیوه‌های راه رفتن و همبستگی اجتماعی و سرزنده بودن فضای عمومی ارتباط هست. راه رفتن در میان‌کنش‌های اجتماعی خود تجربه بدن‌مندی را موجب می‌شود که در یک موقعیت ریشه دارد. موقعیتی که از خلال حرکت بدن فرد و دیگرانی که در آن محیط هستند مداوم در حال تولید و بازتولید خود است. از طرف دیگر جهت‌گیری‌های بدن‌های در حرکت کنشگران از خلال مجاورت‌های احتمالی آنان است که چارچوب مشارکتی یک فعالیت فراغتی را تعیین می‌بخشد.

این مطالعه نشان می‌دهد که در فضاهای عمومی شهر تهران پی‌آمد راه رفتن فراغتی افراد در خلق و انتقال این موقعیت‌ها اصولاً به سمت واگرایی در حرکت است و همگرایی‌ها تنها در موقعیت‌های مقطعی حاصل می‌شود که در آن امکان تهدید فضای بدن‌مند فرد در حرکت در کمترین حالت باشد که در خیابان‌های شهر این امر به ندرت پیش می‌آید و ما شاهد در مخاطره بودن متناوب بدن فرد در راه رفتن فراغتی خود هستیم. آلودگی هوا، معبرهای نامناسب و اتومبیل محوری برای راه رفتن فرد سه چالش عمده در این زمینه هستند که بر پرسه‌زنی‌ها و بدن‌مندی‌های فردی که می‌خواهد وقت فراغت خود را در حرکت پیاده در خیابان بگذراند، اثر گذاشته‌اند. اتومبیل محوری در سطح اجتماعی قدرت و اختیار بدن پیاده را در فضای عمومی کاهش می‌دهد و در سطح فرهنگی ادراک و کنش فرد را شکل می‌دهد (گرین ۲۰۰۹). این امر باعث شده است که عدم آرامش و آزادی یا احساس آزادی که از مؤلفه‌های هر فعالیت فراغتی هستند خود را در گسست‌ها و اغتشاشات ضرب‌آهنگی راه رفتن و اداهای بدن‌ها در سطح فردی و اجتماعی بازتاب دهد. در خیابان‌های شهر تهران راه رفتن به شیوه بلاغی چندان ممکن نیست و اختیاری بودن راه رفتن فراغتی همواره ضرب‌آهنگ خود را در میان بودن و شدن اداهای بدن فردی از دست می‌دهد. در فضاهای بسته مجتمعاتی مورد مشاهده نیز ما عموماً شاهد واگرایی‌های جمعی در حرکت و همگرایی‌هایی که تحت تأثیر فضای حرکتی معماری آنها و مسیرهای حرکت

دیگران در محیط خلق می‌شوند، هستیم. این در حالی است که فضای بدن‌مند فرد در حرکت در این مکان‌ها متفاوت از خیابان است و هم‌جواری‌های بدن‌ها عموماً در فاصله نزدیک در جریان است. همان‌طور که احمد (۲۰۰۸) بیان می‌دارد این درست است که بدن در حرکت در جامعه‌پذیری ما نقش دارد، اما این جامعه‌پذیری تنها بر خود این هم‌جواری‌ها دلالت نمی‌کند، بلکه لذت بردن از این هم‌جواری‌ها هم مهم است (به نقل از داوتی ۲۰۱۳). روی برگرداندن‌ها، تغییر وضعیت بدن و اداهای بدنی که در سیستم حسی حرکتی ما دانشی بدن‌مند را شکل می‌دهند، در بدن‌مندی فرهنگ نیز، بدن اجتماعی را در نسبیتی با بدن‌های فردی قرار می‌دهند که در این میدان مطالعه گویی جامعه‌پذیر بودنشان را در واگرایی‌های در حرکت وا می‌نهند. این در حالی است که فرهنگ در همین اداهای بدن و ضرب‌آهنگ‌های آن است که در فضای شهری بدن‌مند می‌شود. در جایی که اداهای بدن به سمت طرد دیگری، حرکت افراد به سمت واگرایی و ضرب‌آهنگ‌های راه رفتن به سمت اغتشاش و گسست میل کند، بدن فردی به عنوان بدنی ارتباطی^{۲۴} که از خلال میان‌کنش با دیگران در فرآیند مداوم خلق خودش است نه تنها میلی را که در ارتباط با دیگری ریشه دارد از دست می‌دهد، بلکه در آرامش بودن خود را هم همواره در میان تردید و تهدید می‌بیند. در شهری که در آن راه رفتن تنها به عنوان یک وسیله حمل‌ونقل از نقطه الف به نقطه ب در نظر گرفته شود ما شاهد غیر بدن‌مند شدن زندگی روزمره^{۲۵} خواهیم بود.

در این میان اوقات فراغت فرد نیز در فضای عمومی شهر، با از دست دادن مؤلفه‌های فراغتی خود تبدیل به تنش دائمی میان بدن فردی، بدن اجتماعی و فضا خواهد بود. از طرفی باید این مسئله هم در نظر داشت که درست است که پرسه‌زنی به ناگزیر به وسیله اشکال گوناگون تنظیمی همواره مقید می‌شود، اما راه رفتن همواره کنشی است که تنظیم بدن و فضا را احتمالی می‌کند و تجربه‌های غیرقابل‌پیش‌بینی به وجود می‌آورد (ادنسور، ۲۰۱۰). فهم مؤلفه‌های فرهنگی حرکت انسان و فهم کلی بدن‌مندی در یک کنش اجتماعی متغیر است. لذا به طور قطع پیام ساده‌ای برای برنامه‌ریزی در جهت افزایش سطح راه رفتن در تهران امروز با توجه به موارد ذکرشده وجود ندارد. این امر خود در توجه به افزایش راه رفتن فراغتی شهروندان که در آن مؤلفه‌های فراغتی نیز باید لحاظ شود، ابعاد گسترده‌تری به خود می‌گیرد؛ اما در این تحقیق سعی کردیم نشان دهیم که راه رفتن و پرسه‌زنی در شهر خود یک کنش فرهنگی-اجتماعی است و تنها زمانی که ما یک فهم دقیق از بدن‌مندی راه رفتن و محیط اطراف آن به دست آوریم، نهادها و سازمان‌ها خواهند توانست برای یک فراغت همگانی به شیوه راه رفتن در فضاهای عمومی شهر برنامه‌ریزی کنند.

²⁴ communicative body

²⁵ disembodiment of everyday life

منابع

- پورجعفر، محمدرضا. سادات موسوی سروینه، الهه (۱۳۹۲). «معرفی کتاب شهرهای پیاده مدار». *مجله کتاب ماه هنر*. شماره ۱۸۳. صص ۱۶-۱۹
- دو سرتو، میشل (۱۳۸۲). «قدم زدن در شهر». ترجمه شهریار وقفی‌پور. سایمون دیورینگ (ویراستار) *مجموعه مقالات مطالعات فرهنگی*. صص ۱۴۷-۱۳۳. تهران: تلخون.
- رضایی، محمد (۱۳۹۳). «مصرف شهر، سبک زندگی و هویت جمعی: مطلوبیت‌ها و راهبردهایی برای شهر تهران». محمد فاضلی (ویراستار). *شهر، حمل‌ونقل و زندگی روزمره*. صص ۸۱-۳۷. تهران: انتشارات تیسرا.
- فکوهی، ناصر و انصاری، فرشته (۱۳۸۲). «اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی: نمونه موردی دو دبیرستان دخترانه شهر تهران. *نامه انسان‌شناسی*. دوره اول. شماره چهارم. صص ۶۱-۸۹.
- لوپروتون، داوید (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی بدن*، ترجمه ناصر فکوهی. تهران: نشر ثالث.
- مقدم، علی و احمدی، سینا (۱۳۹۴). «کیفیتی پرسروصدا». *معمار*. سال ۱۷. شماره ۹۲. صص ۸۲-۷۸.
- نگین تاجی، صمد (۱۳۸۹). «مکان و حس مکان: بررسی نقش عوامل کالبدی در تشکیل مفهوم مکان». *مجله منظر*. شماره ۱۳. صص ۲۹-۲۴.
- Ness, S. A. A. (2004). *Being a body in a cultural way: Understanding the cultural in the embodiment of dance* (pp. 121-144). Blackwell Publishing Ltd.
- Büscher, M., Urry, J., & Witchger, K. (Eds.). (2010). *Mobile methods*. Routledge.
- Csordas, T. J. (2008). Intersubjectivity and intercorporeality. *Subjectivity*, 22(1), 110-121.
- Crouch, D. (2006). Geographies of leisure. In *A handbook of leisure studies* (pp. 125-139). Palgrave Macmillan UK.
- Doughty, K. (2013). Walking together: the embodied and mobile production of a therapeutic landscape. *Health & place*, 24, 140-146.
- Edensor, T. (2010). Walking in rhythms: place, regulation, style and the flow of experience. *Visual Studies*, 25(1), 69-79.
- Green, J. (2009). 'Walk this way': Public health and the social organization of walking. *Social Theory & Health*, 7(1), 20-38.
- Ingold, T. (2004). Culture on the ground the world perceived through the feet. *Journal of Material Culture*, 9(3), 315-340.
- Jensen, O. B. (2006). 'Facework', flow and the city: Simmel, Goffman, and mobility in the contemporary city. *Mobilities*, 1(2), 143-165.
- Kaylo, J. (2006). The body in phenomenology and movement observation. *E-motion Association For Dance Movement Therapy (ADMT) UK Quarterly vol. XIV* 18 5, 11.
- Lee, J., & Ingold, T. (2006). Fieldwork on foot: perceiving, routing, socializing. *Locating the field: Space, place and context in anthropology*, 42, 67.
- Lindblom, J. (2007). Minding the body: Interacting socially through embodied action. doctoral dissertation. Retrieved from www.diva-portal.org/smash/get/diva2:23965
- Lorimer, H. (2011). Walking: new forms and spaces for studies of pedestrianism. *Geographies of mobilities: Practices, spaces, subjects*, 19-33.
- Moeini, S. M. (2012). Attitudes to urban walking in Tehran. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 39(2), 344-359.
- Moore, R. M. (2013). The beat of the city: Lefebvre and rhythmanalysis. *Situations: Project of the Radical Imagination*, 5(1).
- Neuhaus, F. (2013). *Urban Rhythms: Habitus and emergent spatio-temporal dimensions of the city* (Doctoral dissertation, UCL (University College London)).
- Noland, C. (2009). *Agency and Embodiment: Performing Gestures*. Harvard University Press.
- Nuvolati, G. (2014). The Flâneur: A way of walking, exploring and interpreting the city. *Walking in the European City: Quotidian Mobility and Urban Ethnography*, 21-40.

- Reynolds, N (2004). *Geographies of writing: inhabiting places and encountering Difference*. Carbondale: Southern Illinois University Press.
- Rojek, C. (2005). An outline of the action approach to leisure studies. *Leisure Studies*, 24(1), 13-25.
- Shilling, C (2003). *The Body and Social Theory* (2nd ed). London, Thousand Oaks, New Delhi: SAGE.
- Chen, K. H., & Morley, D. (Eds.). (2006). *Stuart Hall: Critical dialogues in cultural studies*. Routledge.
- Van der poel, H (2006). "Sociology and Cultural Studies". In C.Rojek, S. M. Shaw, A. J. Veal (Eds), *A Hand Book of Leisure Studies*(pp, 93-109). Palgrave Macmillan
- Wunderlich, F. M. (2008). Symphonies of urban places: Urban rhythms as traces of time in space. A study of 'urban rhythms'. *KOHT ja PAIK/PLACE and LOCATION Studies in Environmental Aesthetics and Semiotics VI*, 6, 91-111.
- Wunderlich, F. M (2005, September 22-23). "Walking & Rhythmicity". Paper presented at *Everyday walking culture*, The 6th International Conference on Waking in the 21st Century, Zurich.
- Yi'En, C. (2014). Telling Stories of the City: Walking Ethnography, Affective Materialities, and Mobile Encounters. *Space and Culture*.

Archive of SID